



به من ایمان نیاورده است
کسی که شب سیر بخوابد
و همسایه‌اش چیزی نخورده باشد.
رسول اکرم (ص)

«همسایه» شرح روایتی از یک زندگی است و ما در هر شماره، یکی از آنها را تصویر می‌کنیم که نیاز به کمک شما دارد تا به نفس کشیدن ادامه دهد. شما می‌توانید برای کمک به خانواده‌ای که در همسایه به روایت زندگی‌اش پرداخته‌ایم از پیوندهای انتهای صفحه استفاده کنید. با اسکن رمزینه قرار داده شده یا وارد کردن نشانی اینترنتی می‌توانید نمایه این خانواده را در سایت «سایه» ببینید و کمک نقدی یا غیرنقدی خود را برایشان ارسال کنید.

۲ روایت از رنج بیماران سرطانی

پیچک رنج

این هفته در همسایگی ما

صفحه همسایه

شماره تماس روزنامه جام جم

داخلی ۱۳۶۲-۰۴۰۰۰۰۳۳



علیرضا رفتی

روزنامه‌نگار

سرطان قبل از این که به عنوان یک بیماری توسط شخص به رسمیت شناخته شود، یک خبر مهیب است؛ خبری که وقتی می‌شنوی دوست داری چندبار محکم چشم‌هایت را به هم بزنی، ببندی دوباره باز کنی، بلکه از این خواب بیدار شوی و ببینی زندگی مثل همیشه با روال عادی‌اش در جریان است. سرطان خبری است که وقتی بیمار می‌شود زندگی‌اش به دو بخش قبل و بعد از آن خبر تقسیم می‌شود. فکر کنید شخصی با احساس یک درد کوچک در ناحیه شکم یا احساس کمی سرگیجه و حالت تهوع می‌رود دکتر و بعد از چند عکس و آزمایش، پزشک در چشم‌هایش زل می‌زند و می‌گوید: سرطان. از آن لحظه به بعد شخصی که تا پیش از این زندگی عادی‌اش را ادامه می‌داده و لو با یک درد کوچک، دیگر خودش را با یک دوره بیماری سخت و شاید با مرگ رو در رو می‌بیند. اگر بخت و تقدیر بر سختی باشد، کم‌کم این توده کوچک که جایی از بدن بیمار ریشه دوانده شاخ و برگ می‌دهد و پخش می‌شود و به قول پزشک‌ها متاستاز می‌دهد به دیگر اعضای بدن، متاستاز می‌دهد به دیگر اعضا و بعد مثل پیچک می‌پیچد دور خانه و اعضای خانواده و هر جای خانه که پا می‌گذارد این پیچک می‌پیچد دورشان و می‌آید توی گلویشان ریشه می‌داند و متاستاز می‌دهد به چشم‌هایشان و اشک می‌شود. در این شماره از همسایه به طرح مشکل سه خانواده از سه نقطه کشور که به نوعی با مشکلات حول بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کنند، پرداخته‌ایم.



عکس: ایرنا

درد مضاعف

مددجو، خانواده‌ای اهل شهر برازجان استان بوشهر است که سرپرست خانواده به بیماری سرطان روده دچار شده. پس از تشخیص‌های اولیه تحت عمل جراحی قرار گرفته و حالا به دلیل ضعف جسمانی و عوارض بعد از عمل، از کار افتاده شده است. این خانواده در یک خانه کوچک اجاره‌ای زندگی می‌کند و مادر خانواده خانه‌دار است و پرستاری از همسرش را نیز انجام می‌دهد. این خانواده هیچ منبع درآمدی به جز یارانه و مستمری ناچیز کمیته امداد امام خمینی (ره) ندارند و در حال حاضر با مشکل پرداخت اجاره خانه مواجه‌است.

در این شماره قصد داریم به کمک شما همسایه‌های محترم برای این خانواده، کمک هزینه پرداخت اجاره تهیه کنیم.

جراحی سرطان، درمان و درد مضاعف

عمل جراحی یکی از اصلی‌ترین روش‌های درمان برای بعضی از سرطان‌هاست. البته مثل بقیه روش‌های درمان سرطان در بسیاری از موارد درمان قطعی با جراحی انجام نمی‌شود. در مواردی که سرطان هنوز در بقیه اعضای بدن پخش نشده و بعضی عروق را درگیر نکرده است می‌توان از جراحی برای برداشتن کامل تومور استفاده کرد که در این صورت به آن عمل جراحی شفا بخش می‌گویند و می‌تواند به کلی سرطان را از بین ببرد. اما این نوع عمل جراحی معمولاً در اندک مواردی می‌تواند انجام شود. بعضی دیگر از انواع عمل‌های جراحی عبارتند از: جراحی‌های تشخیصی که به منظور مشاهده وضعیت تومور و نمونه‌برداری انجام می‌شوند. البته امروزه در بسیاری از موارد نمونه‌برداری نیازی به جراحی ندارد. جراحی‌های تسکینی که به منظور کاهش درد بیمار انجام می‌شود و دیگر اعمال جراحی که می‌تواند دردی را از بیمار کم کند یا کمی به بهبود او پیش از شروع دوره شیمی‌درمانی یا پرئودرمانی کمک کند. در همه این موارد، بیمار پس از عمل جراحی، عوارض سختی را تحمل می‌کند، به‌خصوص وقتی جراح مجبور باشد برای خارج کردن تومور سرطانی بخشی از عضو درگیر بدن را نیز جدا کند. بسیاری از بیماران مبتلا به سرطان پس از عمل جراحی حتی اگر به کلی از شر بیماری سرطان رها شوند نیز به دلیل عوارض بعد از عمل نمی‌توانند به طور کامل به زندگی عادی برگردند و به نوعی از کار افتاده می‌شوند.

رنج سقف اجاره‌ای

وقتی داروی بیهوشی را تزریق می‌کنند معمولاً جراح از بیمار می‌خواهد تا ۱۰ بشمارد و بیمار همین‌طور که به چراغ‌های بالای سرش روی تخت اتاق عمل زل زده شروع می‌کند: یک... دو... سه... چهار... و بعد دیگر نمی‌فهمد تا عدد چند را گفته و چشم‌هایش روی هم رفته است. وقتی چشم باز می‌کند بیرون اتاق عمل و به قول پزشک‌ها در اتاق ریکاوری است. بیمار دقیقاً نمی‌داند در چند ساعت گذشته چه بر او رفته اما خوشحال از موفقیت‌آمیز بودن عمل است و امیدوار به زندگی و آینده‌ای بدون درد و بیماری. اما بعضی وقت‌ها، آینده آن‌قدرها هم که بیمار در حال ریکاوری فکر می‌کند امیدوارکننده و عمل جراحی آن‌قدرها که او فکر می‌کند، موفقیت‌آمیز نبوده است. این اتفاق در جراحی‌های سرطان بسیار می‌افتد. پزشک با بررسی شواهد و با احتمال کمی به این که بشود تومور را از بدن خارج کرد برای بیمار عمل جراحی را تجویز می‌کند. اما نتیجه جراحی این می‌شود که به هیچ وجه نمی‌توان بر این توده بدخیم تیغ کشید. در این حالت باید سمت جراحی‌های تسکینی برود که رنج و درد بیمار را تا حدودی کم کند. پدر این خانواده وقتی چشم‌هایش را در اتاق ریکاوری باز کرد شاید امیدوار به نتیجه عمل

راه دشوار

مددجو پس‌ریچه‌ای اهل زابل استان سیستان و بلوچستان است که همراه با خانواده‌اش در یک اتاق استیجاری کوچک در یک نانوائی زندگی می‌کنند. پدر خانواده بی‌کار است و گاه و بی‌گاه با کارهایی که شاید باشد یا نباشد درآمد بسیار اندکی را به دست می‌آورد. مادر خانواده نیز خانه دیز دار است و تنها راه درآمد خانواده یارانه است.

پسر خانواده مدتی است درگیر بیماری سرطان شده و برای درمان نیاز به دوره شیمی‌درمانی دارد. شیمی‌درمانی در شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان انجام می‌شود و خانواده علاوه بر هزینه‌های درمان، با مشکل رفت و آمد از زابل به زاهدان روبه‌رو ست.

در این شماره از همسایه قصد داریم به لطف خدا و کمک شما خیران گرمی کمک هزینه‌ای برای رفت و آمد این بیمار تهیه کنیم.

شیمی‌درمانی، راه دردناک درمان

شیمی‌درمانی یا کموتراپی یکی از راه‌های رایج در درمان انواع سرطان است. البته مساله درمان در بسیاری از سرطان‌ها پیچیده‌تر از آن است که با یک دوره شیمی‌درمانی یا پرئودرمانی بشود به درمان کامل و قطعی فکر کرد، اما حتی در انواعی از سرطان که امید به درمان هم ندارند از شیمی‌درمانی به عنوان تخفیف‌دهنده بیماری یا کندکننده پیشروی توده سرطانی استفاده می‌شود.

در این نوع درمان، بیمار داروهای شیمیایی را به صورت خوراکی یا تزریقی دریافت می‌کند. داروهای که وظیفه از بین بردن سلول‌های سرطانی را دارند اما طی این عمل، بسیاری از سلول‌های سالم بدن نیز آسیب موقت می‌بینند و در نتیجه این درمان عوارضی به همراه می‌آورد که آشناترین آن ریختن موهایی سر و صورت است.

از دیگر عوارض درمان شیمیایی می‌شود به خستگی و کوفتگی بدن، حالت تهوع و بی‌حالی بعد از انجام آن اشاره کرد که برای رفع این عوارض معمولاً رژیم غذایی و سبک زندگی خاصی از سوی پزشک توصیه می‌شود. در حال حاضر مراکز زیادی هستند که دوره شیمی‌درمانی را با حمایت بیمه‌های مختلف انجام می‌دهند و هزینه‌ای را به بیمارهای بیمه شده تحمیل نمی‌کنند، اما انجام این نوع درمان برای بیمار بدون بیمه هزینه‌های میلیونی دارد. علاوه بر آن، مراقبت‌های بعد از هر بار شیمی‌درمانی و رژیم غذایی مناسب آن نیز هزینه‌هایی است که معمولاً جزو هزینه‌های شیمی‌درمانی به حساب نمی‌آید، اما خانواده بیمار با آن درگیر است.

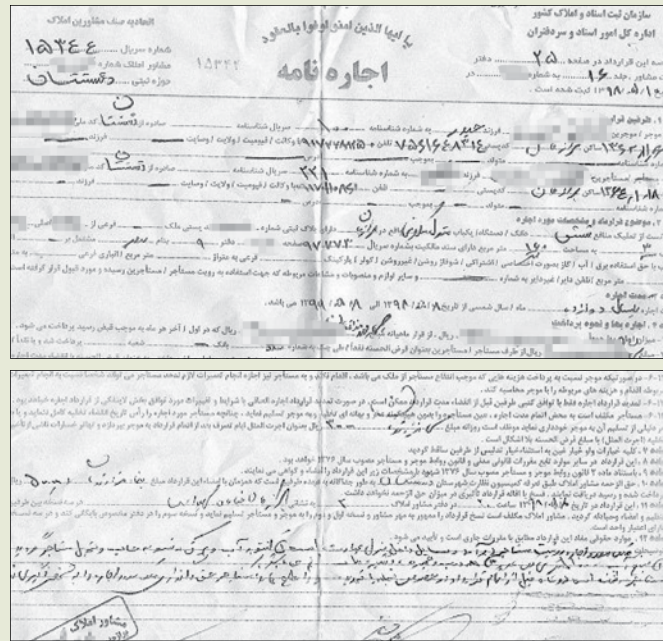
زابل-زاهدان، مسیر پرخرج درمان

همه زندگی‌شان را جمع کرده‌اند گوشه اتاقی اجاره‌ای در یک نانوائی. یک زندگی که تمامش را بشود در یک اتاق گوشه نانوائی جا داد پیدا است که چقدر کوچک است و زندگی‌های کوچک خیلی زودتر از بقیه، غم‌های بزرگ را در خود نشان می‌دهند. غم‌هایی که هضم کردن‌شان برای آنان آسان نیست.

غم نان و مشکلات اقتصادی اولین معضلی بود که این خانواده با آن دست و پنجه نرم می‌کرد، اما شرایط‌شان مثل همه خانواده‌های کوچک مشابه‌شان پیش می‌رفت اگر فرزندشان به این مشکل دچار نمی‌شد. ناگهان، خبری مثل پتک روی سر خانواده فرود آمد و غم نان و مشکلات معیشت را به حاشیه برد. پسرشان به سرطان دچار شده بود و خانواده باید علاوه بر تأمین نیازهای ساده زندگی که در همان هم با مشکل مواجه بود، در پی درمان فرزند نیز برمی‌آمد.

پدر خانواده بی‌کار است و مدام دنبال کاری و راهی که آّب‌باریک‌های را به خانه کوچک‌شان باز کند تا خانواده‌اش کمتر سختی زندگی را لمس کنند. مادر نیز خانه‌دار است و حالا مدتی است نگهداری از فرزند بیمارشان هم به کارهای خانه‌اش اضافه شده.

پزشک پس از معاینه این پسر برایش در مرحله اول یک دوره شیمی‌درمانی تجویز کرد، اما مشکل اینجاست مرکزی که شیمی‌درمانی را انجام می‌دهد، در شهر زاهدان است و این خانواده در شهر زابل سکونت دارد. هر بار حمل‌ونقل از زابل تا زاهدان هزینه‌هایی را روی دست خانواده می‌گذارد که تأمین آن از عهده‌شان خارج است.



بود اما دلشوره دیگری به ذهن و دلش را به خود مشغول نگه داشته بود. دلشوره‌ای که ربط زیادی به بیماری نداشت. دلشوره این که حالا بعد از عمل دیگر از کار افتاده است و توان کار کردن مثل قبل را ندارد و در نتیجه نمی‌تواند همان اندک درآمدی را که قبل داشت به خانه بیاورد و همان سفره کوچک را برای خانواده پهن کند. علاوه بر اینها، دلشوره دیگری که باعث می‌شد رنج و درد عمل و بیماری را به کلی از یاد ببر، مشکل خانه استیجاری‌شان بود و اجاره خانه‌ای که اگر کار نمی‌کرد قطعاً عقب می‌افتاد و دیگر با آن وضعیت بیماری و شرایط جسمانی بعد از عمل توان جسمی و مالی تهیه یک مسکن دیگر برای خانواده را نداشت. حالا پدر این خانواده مدتی است از تخت بیمارستان مرخص شده و به جای این که در بستر بیمارستان به چراغ‌های سقف اتاقش خیره شود، در خانه بستری شده و به سقفی نگاه می‌کند که فکر نبودن آن بالای سر خانواده‌اش آزارش می‌دهد. سقفی که با اجاره‌های ماهانه بالای سر خانواده‌اش باقی خواهد ماند و اجاره‌هایی که حالا او با این وضعیت جسمانی توان تأمین‌شان را ندارد.

آیا سرطان موروثی است؟

در تحقیقاتی که برای تنظیم گزارش‌های این شماره از صفحه همسایه انجام دادیم و در پرونده‌هایی که از مددجویان عزیز مرور می‌کردیم به مورد عجیبی برخوردیم که باعث شد این سوال را از کارشناس‌ها و پزشکان بپرسیم که آیا سرطان ارثی است؟ در بین پرونده‌های مددجویان به موردی برخوردیم که مادری که سرپرستی فرزند سرطانی‌اش را پس از فوت همسرش به عهده گرفته بود دچار چهار نوع سرطان شده بود. یعنی به طور همزمان مادر و فرزند درگیر بیماری سرطان بودند. پزشکان در مواجهه با این مسائل می‌گویند با مطرح کردن نمونه‌های این چنینی نمی‌توان نتیجه گرفت که سرطان یک بیماری موروثی است. در علم پزشکی به بیماری‌هایی موروثی می‌گویند که از طریق والدین به فرزندان منتقل می‌شود یا فرزندان دچار بیماری‌هایی می‌شوند که عیناً والدین با آنها درگیر بوده‌اند. سرطان در اثر تغییرات سلولی به وجود می‌آید و در زن‌ها نیز تغییراتی ایجاد می‌شود. شاید بتوان از بعضی تحقیقات این‌طور برآورد کرد که در بعضی زن‌ها استعداد ابتلا به سرطان بیشتر است و در نتیجه بعضی خانواده‌ها و فامیل‌ها بیشتر به این بیماری دچار می‌شوند، اما به طور قطع سرطان یک بیماری موروثی طبق تعریفی که از بیماری‌های موروثی داریم نیست. البته سبک زندگی و تغذیه مشابه در خانواده‌ها نیز یکی دیگر از دلایلی است که بعضی اعضای یک خانواده می‌توانند با هم درگیر این بیماری شوند که این دلیل ارتباطی به دلایل موروثی ندارد.

برای کمک
به این خانواده
از این پیوند
استفاده کنید



برای کمک
به این خانواده
از این پیوند
استفاده کنید